

سخنرانی رشید شه مردان
در کنفرانس همبستگی مذاهب

بازگشت روان

(در کتب مقدس مذاهب زرتشتی، یهودی، مسیحیت و اسلام
مدارکی بر حقیقت بازگشت روان موجود است.)

در این دوره تجدید که استادان صلاحیتدار، در رشته‌های گوناگون بتحقیق و بررسی پرداخته و خاطرات واقعی بعضی از کودکان را در زندگانی پیشین خود، دنبال کردن خاطرات دوران گذشته افراد با کمک هیپنوتیزم و خاطرات باثبات رسیده بوسیله رابطها و جوکیان و صاحب‌دلان و حقایق آموزشهای دینی بودائی و برهمنائی را مورد بررسی قرار داده‌اند، در اثبات بازگشت روان یا تناسخ و کرمه یا کنش و واکنش، مدارک بسیاری در اختیار ما گذاشته‌اند. محل شکفتی خواهد بود، اگر متفکران و پیغمبران بزرگ آسیای غربی مانند زرتشت، عیسی و محمد که فلسفه علت و معلول را تعلیم داده‌اند، در مورد بازگشت روان که نتیجه کنش و واکنش میباشد در کتب مقدس خویش خاموش بوده باشند. فلسفه بازگشت روان تنها بخاطر نظریه‌ایست که روان بدانوسیله میتواند مدارج تکامل تدریجی خود را طی و باصل و سرچشمه خویش پیوند یابد.

اینک خوشبختانه میتوانیم از مندرجات کتب مقدس گواہ بیاوریم که پیغمبران نامبرده، فلسفه کرمه و بازگشت روان را در آموزشهای خویش تعلیم داده‌اند. از آنجائیکه بنده یکنفر زرتشتی مقیم هند میباشم نخست از آموزشهای حضرت زرتشت پیغمبر ایران باستان سخن بمیان میآورم.

I - نظریه بازگشت روان در مذهب زرتشت

دریسنای ۲۹ دومین فصل انودگات که بمنزله سرود آفرینش میباشد، مدارکی موجود

است که خود پیغمبر قبل از برگزیده شدن در جهان فرودین میزیسته است و این حقیقت دلکنش با مطالعه دقیق فصل مذکور بر ما آشکار می‌گردد .

چنانکه از مندرجات یسنای ۲۹ برمی‌آید، راهنمای گیتی بایستی انسان فنا ناپذیر باشد که با پیروی و هومن یا اندیشه نیک مدارج کمال را طی زندگانی جهان فرودین پیموده و فروغ راستی چنان سرپای وجودش را فرا گرفته باشد که بتواند برابر نیروی ناراستی و سپاه اهریمنی ایستادگی نموده و در عین حال بواسطه اشوئی و پاکی شایسته رابطه بن امشاسپندان بوده و با قابلیت و کاردانی و بدون زحمت و اشکال در انجام دستور و طرح آنها توانا باشد .

یسنای ۲۹ از یک انجمن مشاوره رحمانی امشاسپندان در جهان زیرین سخن می‌دارد که اهورامزدا اشو زرتشت را به پیمبری و تبلیغ آئین ایزدی منصوب می‌نماید . در بند ۸ یسنا اهورا مزدا پیغمبر را که یکی از حاضران مجلس میباشد می‌شناسد که طبق قانون ایزدی رفتار نموده و برای تبلیغ آئین راستی حاضر میباشد ، بنابراین زبان موثر باو میباشد .

از مفاد مندرجات بالا چنین استنباط می‌گردد که اشو زرتشت در آئین یک یا چندین زندگانی در جهان فرودین ، بعنوان انسان فنا ناپذیر مدارج عالی کمال را برابر مندرجات یسنا ۳۲ بند ۷ پیموده که می‌فرماید « هیچیک از این گناه کاران نمیتوانند بامکان ترقی واقعی و ابدی که فقط در زندگانی جهان خاکی میتوان بدست آورد » پی‌برند .

روانشاد سهراب بلسارا استاد اوستا و پهلوی در کتاب خویش *The Religion of Zorathushtra as taught by Himself and His Apostles* .

واژه زرتئی *Zazenti* را در یسنای ۳۰ بند ۸ بتولدهای مکرر معنی مینماید . دستور خورشیدجی دابو دستور بزرگ پارسیان بمبئی نیز با همین نظریه موافق میباشد . بلسارا در گزارش خویش در صفحه ۷۵ کتاب نامبرده مینویسد « بدین طریق گناهانه فقط در لزوم و امکان اکتساب عالیترین اخلاق را برای رسیدن با آخرین هدف زندگی تاکید و اصرار دارد ، بلکه میفهماند که این امکان وابسته بتولدهای مکرر در کاینات میباشد و بدیهی است اگر بایک تولد در جهان خاکی بر نوشت ابدی روان را تعیین نمایند ، چنان امری بی‌معنی خواهد بود . بلسارا باز در همان کتاب واژه « اهویش » *Ahubish* را که در یسنای ۴۴ بند ۲ بکار رفته « باوران زندگانیها » ترجمه کرده است .

دکتر ایرج تارا پور و الاوازه درج دمانسی *Drujo Demoni* را در یسنای ۴۶ بند ۱۱ بمعنی مکان دروغ گفته و در حاشیه ترجمه گناههای خویش مراد از آن را جهان خاکی میدانند . ترجمه منظوم او بدین قرار است :

« بزرگان و پیشوایان ، نابینا از غرور و گران گوش از آموزشهای دروغ ، بشر بگردار بد رهنمون گشته و زندگانی راستی را تباه می‌سازند . اما چون هنگام قضاوت فرا رسد بمکان ناراستی افتاده و در آنجا ساکن می‌گردند و جدانشان آنها را معذب میدارد »

باز این دکتر فعل پیتی به اینتی « *Paiti yeinti* » را در بند ۱۱ یسنا ۴۹ که فاعلش

روانان گمراه می‌باشد، به برگشتن معنی کرده است. سایر استادان اوستا مانند دستورخورشید جی‌دایو، سهراب بلسارا، هیرید پیروز مسامی، استاد بهرام کورانگل‌ساریا، هیرید مهرجی‌رانا و دستور فرامرزد با همان معنی توافق نظر دارند، ترجمه دکتر تارا پوروالا از این قرار است: «روانانی که وجدانشان تاریک و بمشاهده فروغ راستی توفیق نیافته‌اند باین خانه دروغ بر می‌کردند که با پیشوایان و بزرگان دروغ که اندیشه و گفتار و کردارشان دروغ است مخلوط شده است.» دکتر درحاشیه کتاب «مکان دروغ را باین «جهان خاکی» تعبیر مینماید.

بازگشت روان با قیامت مغایرت دارد. بازگشت روان انفرادیست و قیامت هر کس نیز باید جداگانه و انفرادی باشد نه اجتماعی و عمومی در پایان دوران جهان خاکی.

II - نظریه بازگشت روان در مذاهب یهود و مسیح

نظریه بازگشت روان نزد علمای مسیحیت نظریه وودکترین کفار بوده و در مواعظ خویش آنرا شایسته توجه نمیدانند، درحالی‌که در دوران اولیه مسیحیت چنین تکفیری در مورد این نظریه وجود نداشت. بعلاوه در مندرجات خود انجیل مدارکی چند برایمان ببازگشت روان موجود است.

ذوهر Zohar کتابیست تألیف یکی از دانشمندان بنام یهود و محل وثوق آنها، در مورد بازگشت روان چنین سخن میدارد: «روان باید بماده اصلی و سرچشمه‌ای که از آن جدا گشته برگردد و برای این منظور بایستی بتکامل کلی که نطفه آن در خمیره وجودش موجود میباشد توفیق حاصل نماید و اگر در طی یک زندگی بدین توفیق نایل نگشت باید زندگی دیگر بلکه زندگی سوم و چهارم و مالانهایت آغاز کند تا آنکه شایسته وصل بسرچشمه و خداوند خود گردد.»

(Oneness with God by M. K. Spencer.)

تلمود کتاب مقدس یهود نیز با عبارت «قضاوت انقلاب روانها» در مورد بازگشت روان صحبت مینماید. ربی منسا Rady Manassa یور اسرائیل از دانشمندان بنام و محترم یهود در کتاب خویش Nishmath Hayem چنین مینویسد: «دکترین بازگشت روان از احکام استوار مذهبی و غیر قابل تغییر و نظریه پذیرفته شده همه انجمنهای ماست و کسی جرئت انکار آنرا ندارد ...»

بسیاری از خردمندان و صاحب‌دلان اسرائیل کاملاً بدکترین بازگشت روان معتقد و آنرا جزو احکام مهم مذهبی قرار داده‌اند. بنابراین بایستی با کمال ایمان و اعتقاد راسخ آنرا بپذیریم زیرا حقیقت این نظریه و اعتقاد رادوهر و کتب کباله با ثبات رسانیده‌اند.

نظریه ولزوم نیل بکمال معنوی بخشی است از آموزشهای دین مسیح. در فصل ششم کتاب متی آیه ۴۸ آمده «کامل باشید چنانکه پدرتان در آسمان کامل است.»

بقیه در شماره آینده